

## اثربخشی آموزش توانمندسازی روانی - اجتماعی بر نگرش شناختی و عاطفی نوجوانان

به مصرف موادمخدر (نیروی انتظامی بخش مبارزه با مواد مخدر)

### *Evaluating the effects of psychosocial empowerment program on adolescents' cognitive and sentimental attitudes tendency to abusing substance (Anti-drug force police)*

تاریخ پذیرش: ۹۴/۹/۷

تاریخ دریافت: ۹۴/۷/۱۲

Rahmati R. PhD<sup>✉</sup>, Mohamakhani Sh. PhD,  
Mohsenpour MR. MSc

رباب رحمتی<sup>✉</sup>، شهرام محمد خانی<sup>۱</sup>، محمد رضا محسن پور<sup>۲</sup>

#### چکیده

#### Abstract

**Introduction:** Substance abuse by adolescents is one of the most important health challenges throughout the world. Our aim was to investigate the effects of psychosocial empowering program on students' attitude toward substance abuse.

**Method:** this research was a semi experimental one and the statistical universe included all the first year high school students of Malard city (Tehran-Iran) on 2011-2012. The statistical sample included 380 students (190 boys, 190 girls) that were selected through a multiphasic cluster sampling method. Attitude toward substance abuse was assessed by attitude assessing questionnaire toward substance abuse. Data was analyzed through covariance analysis method.

**Results:** the results showed that psychosocial empowering training program had significant effects on the students' attitudes. On the other hands the program effectiveness was not tolerated by gender.

**Discussion:** the psychosocial empowering program could increase negative attitude toward substance abuse. Regarding gender effects on attitude toward drug abuse, it could be recommend that these baseline differences between boys and girls should be noticed before conducting similar programs.

**Keywords:** psychosocial empowering program, attitude toward substance abuse, preventing drug abuse

**مقدمه:** مصرف مواد مخدر در نوجوانان یکی از مهمترین چالش های بهداشت روانی در سراسر دنیاست. پژوهش حاضر با هدف مطالعه نقش آموزش توانمندسازی روانی اجتماعی بر نگرش دانش آموزان نسبت به مصرف مواد مخدر انجام شد.

**روش:** جامعه آماری پژوهش، شامل کلیه دانش آموزان سال اول دبیرستان های شهرستان ملارد، در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹ بودند. نمونه آماری ۳۸۰ نفر بود که با روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای انتخاب شدند. گروه آزمایش طی ۸ جلسه مورد آموزش قرار گرفتند. نگرش دانش آموزان توسط ابزار "نگرش سنج دانش آموزان نسبت به مواد مخدر" مورد استفاده قرار گرفت و داده های آماری با روش تحلیل کوواریانس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

**نتایج:** نتایج به دست آمده نشان داد که آموزش توانمند سازی روانی اجتماعی توانسته است نگرش دانش آموزان گروه آزمایش را به طور معناداری تحت تأثیر قرار دهد. از طرف دیگر میزان اثربخشی این آموزش بر دانش آموزان دختر و پسر متفاوت نبود.

**بحث:** آموزش توانمند سازی روانی اجتماعی بر افزایش نگرش منفی دانش آموزان نسبت به مصرف موادمخدر موثر است. با توجه به اثربخشی عامل جنسیت در نگرش به مصرف مواد مخدر، لازم است در اجرای مداخلات به تفاوت های اولیه دو جنس در نگرش به مواد توجه داشت.

**کلید واژه ها:** توانمند سازی روانی اجتماعی، نگرش به مصرف مواد، پیشگیری از سوء مصرف مواد

<sup>✉</sup> Corresponding Author: Department of Educational Sciences, Farhangiyen University, Tehran, Iran  
E-mail: rahmaty33@yahoo.com

<sup>✉</sup> گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران  
۱- گروه روانشناسی بالینی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران  
۲- دانشجوی دکتری روانشناسی دانشگاه پدگوزی تاجیکستان

## مقدمه

سوء مصرف مواد مخدر در عصر حاضر یکی از مهم ترین و اساسی ترین مشکلات بسیاری از جوامع است، مسئله ای که بسیاری از کشورهای جهان را درگیر کرده و پیامدهای منفی آن روز به روز رو به افزایش است. طبق آمار، دفتر مواد مخدر سازمان جهانی بهداشت تخمین زده شده که در سال ۲۰۱۱ بین ۱۶۷ تا ۳۱۵ میلیون انسان ۱۵ تا ۶۴ ساله در سراسر دنیا طی سال گذشته مواد روان گردان مصرف کرده اند. این آمار معادل ۳/۶ تا ۶/۹ درصد کل جمعیت بزرگسال دنیا است (UNODC، ۲۰۱۳).

پژوهش های انجام شده در ایران نیز نشان داده اند که یازده درصد خانواده های تهرانی درگیر مصرف انواع مواد مخدر هستند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۵) و یازده درصد دانشجویان دانشگاه های تحت پوشش وزارت علوم مصرف کننده حرفه ای مواد مخدر بوده اند (صرامی، قربانی و مینویی، ۱۳۹۲). برآوردهای مختلف حاکی از اعتیاد بین یک میلیون (محمد رزاقی، رحیمی، حسینی و مدنی، ۱۳۷۹) تا یک میلیون و هشت صد هزار شهروند (نارنجی ها و همکاران، ۱۳۸۴؛ یاسمی و شاه محمدی، ۱۳۸۱) به انواع مواد مخدر هستند.

همچنین داده های مرتبط با سن شروع مصرف مواد مخدر نشان داده است که ۴ درصد افراد قبل از ۱۵ سالگی و ۲۴ درصد در سنین ۱۵ تا ۱۹ سالگی اقدام به شروع مصرف مواد مخدر کرده اند و در کل ۵۶/۳ درصد افراد تا قبل از ۲۴ سالگی مواد مخدر را امتحان کرده اند (معاونت امور فرهنگی و پیشگیری سازمان بهزیستی، ۱۳۷۸؛ معاونت امور فرهنگی و پیشگیری سازمان بهزیستی با همکاری UNDCP، ۱۳۷۸). پژوهش های انجام شده روی جمعیت دانش آموزی نیز از آمار

مشابه با پژوهش های شروع مصرف حکایت دارند به طوری که نرخ سوء مصرف مواد مخدر در دانش آموزان با روش های عینی بین ۵ تا ۷ درصد (اله وردی پور، حیدرنیا، کاظم نژاد، شفیع، آزاد فلاح، میزایی، ویت، ۱۳۸۴) برآورد شده است و در پژوهش هایی که از روش های خود اظهاری برای جمع آوری داده ها استفاده می کردند این نرخ مقداری پایین تر و بین ۳ تا ۴ درصد (بشیریان، حیدرنیا، اله وردی پور و حاجی زاده، ۱۳۹۱) گزارش شده است.

نگرانی مرتبط با چنین یافته هایی این است که شروع زود هنگام مصرف مواد رهگشا<sup>۱</sup> ممکن است به مصرف مواد سنگین تر بیانجامد. مطابق فرضیه مصرف مواد رهگشا در نوجوانی (کندل، ۲۰۰۲) نوجوانانی که سیگار یا الکل مصرف می کنند بیشتر احتمال دارد که ماری جوانا را امتحان کنند و کسانی که ماری جوانا مصرف می کنند بیشتر احتمال دارد که به مصرف مواد توهم زا، محرک ها، افیون ها و دیگر مواد اعتیاد آور روی بیاورند. علاوه بر این شواهد تجربی جمع آوری شده نشان می دهد که شروع زود هنگام مصرف مواد با گستره ای از دیگر پیامدهای منفی در اواخر نوجوانی و اوایل بزرگسالی مانند خشونت و رفتار قانون شکنانه، سلامت جسمی ضعیف و مشکلات سلامت روان مرتبط است (الیکسون، توکر و کلین، ۲۰۰۱؛ نیوکامب و بنتلر، ۱۹۸۸).

رویکردهای ارتقای کارآمدی در سه دهه گذشته مورد توجه صاحب نظران حوزه پیشگیری از مصرف مواد بوده اند. اساس نظری رویکردهای ارتقای کارآمدی طراحی شده برای پیشگیری از مصرف مواد بر نظریه یادگیری اجتماعی بندورا (۱۹۷۷) و نظریه رفتار مشکل ساز جیسور (۱۹۷۷) قرار دارد. طبق این رویکرد، مصرف مواد به عنوان یک رفتار اجتماعی

انتظار مصرف مواد بیش از هزینه‌های مورد انتظار باشد، نوجوانان می‌بایست نگرش مثبتی درباره مصرف مواد داشته باشند. بنابراین ارزیابی پیامدهای مثبت و منفی مصرف مواد عنصر محوری در شناخت علت گرایش نوجوانان به مواد است. نقش نگرش به مصرف مواد چنان مهم قلمداد شده است که آلبرت آلیس بیان داشته است تفکر و نوع نگرش افراد مصرف‌کننده مواد است که آن‌ها به سوی مصرف مواد سوق می‌دهد و یا آنها را از مصرف مواد دور می‌کند.

پژوهش‌ها نشان می‌دهند که نگرش‌ها و هنجارهای ذهنی نوجوانان موجب شکل‌گیری نیت و مقاصد نسبت به مواد و متعاقبا عمل مصرف مواد می‌شوند (کوتر<sup>۵</sup>، ۲۰۰۲). تحقیقات دیگر نشان می‌دهد که نگرش‌ها و هنجارهای ذهنی دانش‌آموزان ۳۰ تا ۵۳ درصد واریانس مربوط به مصرف الکل را نیز تبیین می‌کنند (اسچگل<sup>۶</sup>، کرانفورد و سانبورن<sup>۷</sup>، ۱۹۹۷).

طی دهه‌های گذشته در سراسر دنیا از جمله ایران تلاش‌های منسجمی برای توسعه رویکردهای مؤثر پیشگیری از سوءمصرف مواد مخدر در مدارس انجام شده است. این رویکردها عمدتاً دانش‌آموزان دبیرستانی را با بهره‌گیری از مداخلات کلاسی هدف قرار داده‌اند. موقعیت مدرسه برای اجرا و آزمون برنامه‌های مداخله‌ای مواد مخدر بسیار مناسب است چرا که دسترسی مناسب به تعداد زیادی از نوجوانان را فراهم می‌کند که در این سنین شروع به تجربه دخانیات، الکل، ماریجوانا و سایر مواد می‌نمایند.

«برنامه توانمندسازی روانی اجتماعی در مدرسه» به طور اختصاصی برای پیشگیری از مصرف مواد و رفتارهای پرخطر در دانش‌آموزان در معرض خطر تهیه شده است. این بسته آموزشی شامل سه بخش است: کتاب راهنمای آموزش مهارت‌های زندگی، کتاب

آموخته شده و کاربردی (ابزاری) لحاظ می‌شود که نتیجه تعامل بین عوامل فردی (درون‌فردی) و اجتماعی (بین‌فردی) است. رفتار مصرف مواد به واسطه فرایندهای سرمشق‌گیری، تقلید و تقویت آموخته می‌شود و تحت تأثیر شناخت‌ها، نگرش‌ها و عقاید تأیید کننده مصرف مواد نوجوان قرار می‌گیرد. اعتقاد بر این است که این عوامل در ترکیب با مهارت‌های شخصی و اجتماعی ضعیف، آسیب‌پذیری نوجوان را نسبت به نفوذهای اجتماعی معطوف به مصرف مواد افزایش می‌دهند (بوتوین، ۱۹۹۸).

طی سال‌های اخیر رویکردهای شناختی در حوزه سوء مصرف مواد تبیین قابل توجهی برای این پدیده ارائه کرده‌اند. عنصر شناختی در حوزه سوء مصرف مواد بر فرایندهای ذهنی تأکید دارد که توسط اصطلاحات گوناگونی مانند گرایشات، انتظارات، باورها، نگرش‌ها و طرح‌واره‌ها توصیف شده‌اند. به عبارت دیگر در صورتی که فرد نسبت به موضوع خاصی دارای نگرش پایدار، برجسته، نیرومند و مبتنی بر استدلال باشد، با احتمال بسیار زیادی مرتکب رفتاری می‌شود که با نگرش مذکور همخوان است (تیلور، پیلا و سیرز<sup>۴</sup>، ۲۰۰۰). طبق مدل عمل مستدل آجزن و فیشبین (۱۹۸۰)، مصرف آزمایشی مواد منحصرأ توسط تصمیم یا نیت مستدل نوجوان برای پرداختن به رفتارهای مواد-ویژه تعیین می‌شود. این تصمیمات نیز به نوبه خود توسط دو مؤلفه شناختی تعیین می‌شوند. نیت‌ها تحت تأثیر نگرش نوجوانان نسبت به رفتار مصرف مواد خودشان قرار می‌گیرند. آجزن و فیشبین با اقتباس رویکرد ارزش- انتظار مدعی شدند که نگرش‌های مواد-ویژه تابع ریاضی پیامدهای (هزینه‌ها و مزایای) فردی ارتکاب مصرف مواد و ارزش عاطفی که افراد بر آن پیامدها می‌گذارند، هستند. احتمالاً اگر مزایای مورد

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه دانش‌آموزان سال اول دبیرستان های شهرستان ملارد با جمعیت آماری ۶۰۰۸ نفر بود که در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹ مشغول به تحصیل بودند. از آنجا که در این تحقیق دسترسی به فهرست افراد و اعضای جامعه آماری بسیار دشوار است و انتخاب گروهی از افراد امکان پذیرتر و آسان‌تر از انتخاب افراد از یک جامعه است. بنابراین محقق برای تعیین و انتخاب نمونه آماری مورد نظر از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده کرده است.

برای تحقق نمونه‌گیری ابتدا از بین دبیرستان‌های شهرستان ملارد ۴ مدرسه (۲ مدرسه پسرانه و ۲ مدرسه دخترانه) به روش تصادفی انتخاب شدند. در مرحله بعد مدارس انتخاب شده به صورت تصادفی به یکی از دو گروه آزمایش و گواه اختصاص داده شدند به طوری که دو مدرسه (یک مدرسه دخترانه و یک مدرسه پسرانه) به در گروه آزمایش، و دو مدرسه (یک مدرسه دخترانه و یک مدرسه پسرانه) در گروه گواه جایگزین شدند. سپس کلاس‌های سال اول دبیرستان مدارس گروه آزمایش (۱۹۰ نفر؛ ۹۵ پسر و ۹۵ دختر) تحت آموزش توانمندسازی روانی-اجتماعی قرار گرفتند و کلاس‌های سال اول دبیرستان مدارس گروه گواه (۱۹۰ نفر؛ ۹۵ پسر و ۹۵ دختر) مداخله خاصی دریافت نکردند و به برنامه آموزشی عادی خود ادامه دادند.

**پرسشنامه نگرش دانش‌آموزان نسبت به مواد مخدر:** که دارای ۳۴ سوال بوده و از یک مقیاس کلی و چهار خرده مقیاس تشکیل شده است. ضریب پایایی این پرسشنامه با استفاده از باز آزمایی به فاصله یک هفته برابر ۸۰ درصد و با روش ضریب همبستگی درونی (آلفای کرونباخ) ۰/۸۰۳ به دست آمده است (محمد رضایی، دلاور و نجفی، ۱۳۹۱).

کار دانش‌آموزان و راهنمای مشاور در مورد راهبردهای پیشگیری از مصرف مواد در دانش‌آموزان (محمد خانی، ۱۳۸۸). برنامه توانمندسازی روانی-اجتماعی متمرکز بر مهارت‌های زندگی است که بر اساس یافته‌های پژوهشی در خصوص عوامل خطر ساز و حفاظت کننده مصرف مواد، در نوجوانان ایرانی و مدل‌های سبب شناسی بومی طراحی شده است و بر موضوعات مرتبط با مصرف مواد و سایر رفتارهای پرخطر تمرکز دارد (محمدخانی، ۱۳۸۹).

در این پژوهش تلاش شد تا با اجرای برنامه توانمندسازی روانی-اجتماعی، نگرش دانش‌آموزان به مصرف مواد مخدر را در ابعاد کلی، شناختی و عاطفی تغییر داده و مقایسه‌ای در مورد اثر بخشی این آموزش‌ها در نگرش دو گروه دختران و پسران صورت گیرد.

## روش

روش پژوهش حاضر، شبهه آزمایشی بود که در آن دو گروه آزمایش و گواه دو مرتبه مورد سنجش قرار گرفتند. اولین سنجش با اجرای پیش‌آزمون و دومین سنجش به وسیله پس‌آزمون انجام شد. به منظور تشکیل دو گروه آزمایش و کنترل، با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی، نیمی از آزمودنی‌ها در گروه اول و نیمی دیگر در گروه دوم جایگزین شدند. اندازه‌گیری متغیروابسته برای هر دو گروهی که به این ترتیب تشکیل شدند در یک زمان و تحت یک شرایط صورت گرفت. در این تحقیق یکی از دو گروه به صورت تصادفی به عنوان گروه آزمایش و دیگری به عنوان گروه گواه انتخاب و افراد گروه آزمایش در معرض متغیر مستقل قرار گرفتند. افراد گروه گواه در معرض متغیر مستقل قرار نگرفته و برنامه همیشگی و قبلی خود را ادامه دادند.

برنامه توانمندسازی روانی- اجتماعی دانش‌آموزان در معرض خطر، برنامه پیشگیرانه چندمؤلفه‌ای است که به منظور تقویت توانمندی‌های فردی و اجتماعی و بهبود عزت نفس دانش‌آموزان در معرض خطر، طراحی شده است. این برنامه آموزشی بر اساس عوامل خطر ساز و حفاظت کننده مصرف مواد در نوجوانان طراحی شده است. هدف اصلی این برنامه، ایجاد تغییر در سه حیطة دانش، نگرش و رفتار دانش‌آموزان است (محمد خانی، ۱۳۸۹).

لازم به ذکر است که برنامه توانمندسازی توسط گروهی از افراد متخصص و همچنین درجه‌داران نیروی انتظامی (بخش مبارزه با موادمخدر) به مدت ۸ جلسه صورت گرفت. آموزش به شکل کارگاهی بود و مشاوران و پرسنل نیروی انتظامی با استفاده از نمایش موادمخدر به صورت واقعی، نمایش فیلم و انیمیشن، اسلاید، پوستر و بروشور، ارسال SMS، ارسال اطلاعات به ایمیل دانش‌آموزان و ارائه کتابچه‌های آموزشی به ارائه مطالب برای گروه آزمایش پرداخته و دانش‌آموزان در جلسات، مشارکت فعال داشتند.

شاخص‌های توصیفی مربوط به نمرات پرسشنامه نگرش نوجوانان نسبت به موادمخدر، شامل نمره کل و نمره دو خرده مقیاس شناختی و عاطفی در نوجوانان دانش‌آموز دختر و پسر گروه آزمایش و گروه کنترل محاسبه گردید. به منظور بررسی معنادار بودن تفاوت بین میانگین‌های نمرات نوجوانان دختر و پسر گروه آزمایش و گروه کنترل با توجه به تاثیر دو عامل مستقل گروه‌بندی (گروه آزمایش و کنترل) و جنس (نوجوانان دختر و پسر) بر نمرات متغیر وابسته از تحلیل کوواریانس استفاده شد.

#### یافته‌ها

به منظور مقایسه گروه‌های آزمایش و گواه در نگرش به مصرف مواد و کنترل تفاوت‌های اولیه این دو گروه در متغیر مذکور، از روش تحلیل کوواریانس استفاده شد. میانگین نمرات پس از آزمون گروه‌های آزمایش و گواه در نگرش به مصرف مواد به ترتیب برابر با ۴۹/۰۷ و ۲۷/۰۲ و میانگین نمرات پس از آزمون برای گروه پسران و دختران به ترتیب برابر با ۳۱/۰۲ و ۴۵/۲۶ بود. نتایج مذکور در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱- میانگین و انحراف استاندارد نگرش به مصرف مواد به تفکیک جنس و گروه

گروه	جنس	میانگین	انحراف استاندارد	حجم گروه
آزمایش	دختر	۴۱/۵۵	۲۱/۸۹۹	۹۵
	پسر	۵۶/۶۰	۲۴/۸۱۶	۹۵
	کل	۴۹/۰۷	۲۴/۵۳	۱۹۰
کنترل	دختر	۲۰/۴۸	۱۲/۸۷۲	۹۵
	پسر	۳۳/۹۲	۲۲/۹۱۶	۹۵
	کل	۲۷/۲	۱۹/۷۲۱	۱۹۰
کل	دختر	۳۱/۰۲	۲۰/۷۹۵	۱۹۰
	پسر	۴۵/۲۶	۲۶/۳۹۷	۱۹۰
	کل	۳۸/۱۴	۲۴/۷۷۸	۳۸۰

نتیجه تحلیل کوواریانس نشان داد مداخله پیشگیری با وجود کنترل تفاوت‌های اولیه گروه‌ها در نگرش به مصرف مواد، توانسته است تأثیر معناداری بر نگرش به مصرف مواد اعمال کند ( $F_{1,375} = 111/838, P < 0/01$ ) که با توجه به میانگین نمرات کسب شده حاکی از نگرش منفی‌تر گروه آزمایش در مقایسه با گروه گواه است. علاوه بر این شاخص  $\eta^2$  تفکیکی برابر با ۰/۲۳ بود که نشان می‌دهد مداخله پیشگیری می‌تواند ۲۳٪ واریانس نمرات نگرش به مواد را تبیین کند. متغیر

جنسیت نیز اثر معناداری بر نگرش به مصرف مواد اعمال کرده بود، به طوری که نگرش به مصرف مواد در دو گروه پسر و دختر تفاوت معناداری داشت ( $F_{1,375} = 3764/148, P < 0/01$ ). علاوه بر این تعامل بین دو متغیر جنسیت و مداخله معنادار نبود ( $F_{1,375} = 0/471, P = 0/49$ ). به عبارت دیگر اثربخشی مداخله آزمایشی به متغیر جنسیت بستگی نداشت. نتایج مذکور در جدول شماره ۲ نمایش داده شده‌اند.

جدول ۲- تحلیل کوواریانس تأثیر مداخله پیشگیری بر نگرش به مصرف مواد

منبع واریانس	SS	Df	MS	F	P
مدل اصلاح شده	۱۱۸۵۴۱/۸۱۵	۴	۲۹۶۳۵/۴۵۴	۹۷/۳۵۹	۰/۰۰۱
عرض از مبدأ	۷۲۲۴۸/۳۰۳	۱	۷۲۲۴۸/۳۰۳	۲۷۳/۳۵۳	۰/۰۰۱
نگرش پیش آزمون	۵۳۷۵۶/۳۲	۱	۵۳۷۵۶/۳۲	۱۷۶/۶۰۲	۰/۰۰۱
مداخله	۳۴۰۴۲/۶۷	۱	۳۴۰۴۲/۶۷	۱۱۱/۸۳۸	۰/۰۰۱
جنسیت	۳۷۶۴/۱۴۸	۱	۳۷۶۴/۱۴۸	۱۲/۳۶۶	۰/۰۰۱
مداخله*جنسیت	۱۴۳/۲۱۸	۱	۱۴۳/۲۱۸	۰/۴۷۱	۰/۴۹
خطا	۱۱۴۱۴۷/۰۷	۳۷۵	۳۰۱/۳۹۲		
کل	۷۸۵۳۶۸	۳۸۰			

## بحث و نتیجه گیری

در پژوهش حاضر تلاش شد تا با کنترل تفاوت‌های اولیه دو گروه آزمایش و گواه در متغیر نگرش به مصرف مواد پیش آزمون، نمرات پس آزمون گروه‌ها را در متغیر مورد نظر مورد مقایسه قرار دهد و تأثیر مداخله آموزشی را بر متغیر نگرش پسران و دختران اندازه‌گیری نماید. نتایج تحلیل کوواریانس انجام شده نشان داد که مداخله پیشگیری توانسته است نمرات نگرش پس آزمون را به طور معناداری تغییر دهد. تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که برنامه آموزشی طراحی شده بر نگرش دانش آموزان تأثیر گذاشته و نگرش کلی مثبت نوجوانان نسبت به مصرف مواد

مخدر را در گروه آزمایش در مقایسه با گروه کنترل کاهش داده است. تفاوت مورد مشاهده در داده‌های مربوط به پیش آزمون و پس آزمون در گروه آزمایش که نتیجه اعمال متغیر مستقل می‌باشد، نشان می‌دهد که این روش آموزش در تغییر نگرش نوجوانان دانش آموز موثر بوده است، به عبارت دیگر برنامه آموزش توانمند سازی روانی اجتماعی، نگرش کلی مثبت نوجوانان گروه آزمایش نسبت به مصرف مواد را در مقایسه با دانش آموزان گروه گواه کاهش داده است. علاوه بر این برنامه آموزشی بین دو گروه دختران و پسران اثر متفاوتی نداشته است. پورچناری و همکاران (۱۳۸۷)، نیز در نتایج پژوهش خود نشان

جاکارد، ۲۰۰۷). افراد با نگرش مثبت به مواد مخدر، گرایش بیشتری به آزمایش مواد مخدر داشته و با شروع زمان مصرف مواد رابطه دارد (طارمیان، ۱۳۸۷). لذا ارائه آموزش های موثر به دانش آموزان و تغییر نگرش آنها می تواند روش پیشگیری مناسبی باشد چرا که فرض بنیادی راهبردهای پیشگیرانه این است که پیشگیری از سوء مصرف مواد راحت تر، کم هزینه تر و موثر تر از درمان است (پنتر، ۱۹۹۴).

با توجه به این یافته ها، به منظور پیشگیری از گرایش نوجوانان به سوء مصرف مواد مخدر باید اقدامات مطلوب و جامعی انجام شود تا نگرش منفی نسبت به مصرف مواد مخدر در دانش آموزان افزایش یابد. به همین دلیل توجه مسئولان و دست اندرکاران آموزش و پرورش به مسئله پیشگیری از اعتیاد در بین نوجوانان، و برگزاری دوره های آموزشی گسترده در مدارس می تواند در پیشگیری از اعتیاد مثر ثمر واقع شود.

همچنین نتایج این پژوهش نشان داد که آموزش، موجب تغییر در نگرش هر دو گروه پسران و دختران شده و نگرش مثبت آن ها را نسبت به مواد مخدر کاهش می دهد، اما نکته قابل توجه این است که عامل جنسیت اثر معناداری بر نگرش به مواد مخدر اعمال می کند و به طور کلی دختران نگرش منفی تری نسبت به مصرف مواد مخدر دارند.

تفاوت در حوزه نگرش کلی بین دو گروه دختران و پسران می تواند ناشی از عوامل مختلفی باشد. از جمله نتایج تحقیق مهاجر دارایی (۱۳۸۶) نشان داد، به طور کلی نگرش دختران مقطع دبیرستان نسبت به مواد منفی است، بر اساس این نتایج عواملی که می توانند توجیه کننده نگرش منفی دختران نوجوان نسبت به مواد مخدر باشند، بدین شرح هستند: نگرش های فرهنگی حاوی هنجارهای متفاوت مصرف مواد در

دادند، بین نگرش دانش آموزان به سوء مصرف مواد و اعتیاد قبل و بعد از آموزش مهارت های زندگی تفاوت معناداری وجود دارد. فاکس کرافت و همکارانش (۲۰۱۱)، نیز نشان دادند آموزش مهارت ها و فعالیت های متمرکز بر مدرسه منجر به کاهش انتظارات هنجاری برای سیگار کشیدن و مصرف الکل بود.

در پژوهش سهرابی و همکاران (۱۳۹۳) نشان داده شد که مداخله، موجب تقویت نگرش منفی به مواد مخدر می شود و تفاوت دو گروه مداخله و کنترل در نگرش به مواد مخدر معنادار است. اما اثر عامل جنس نوجوانان بر نگرش به مصرف مواد معنا دار نبود. بنابر این برنامه توانمند سازی روانی اجتماعی بر نگرش نوجوانان دختر و پسر نسبت به مصرف مواد تاثیر یکسان داشته و با کنترل تفاوت های اولیه این دو گروه، تفاوت چشمگیری بین دو گروه دختران و پسران گروه آزمایش مشاهده نشد.

بر اساس یافته های پژوهش، آموزش برنامه توانمندسازی روانی- اجتماعی که محتوای آن شامل: ارزش سلامتی، تصمیم گیری، خط رجویی و مصرف مواد، مقابله با استرس، ارتباط موثر، مهارت های امتناع، عزت نفس و انواع اثرات و جرایم مرتبط با مواد مخدر می تواند در نگرش دانش آموزان به مواد مخدر موثر بوده و نگرش مثبت آن ها در گرایش به مصرف مواد مخدر و اعتیاد را کاهش دهد.

از آن جا که نگرش مثبت به اعتیاد با گرایش به مصرف آن رابطه مستقیم دارد و از جمله عوامل خطر ساز در حوزه فردی، داشتن نگرش مثبت به مصرف مواد است. بر اساس نتایج به دست آمده از پژوهش ها، نگرش و باورهای مثبت در مورد مصرف مواد و شروع مصرف آن رابطه مثبت وجود دارد (داج.

میان مردان و زنان - هنجارهای رفتاری و اجتماعی متفاوت جنسیتی - مذهب و منع قانونی الکل و منع قانونی دیگر داروها - سوءمصرف مواد بر خلاف ارزشهای فرهنگی خانواده‌های ایرانی به خصوص در میان نوجوانان دختر - عدم تأیید شدید سوءمصرف مواد از سوی والدین - کنترل و نظارت بیشتر خانواده در مورد دوستان و نحوه گذراندن اوقات فراغت دختران.

با توجه به این که پسران بیشتر از دختران در معرض خطر ابتلا به سوءمصرف موادمخدر هستند، لذا توجه بیشتر به آموزش اثربخش برای پسران امری ضروری به نظر می‌رسد. در انجام پژوهش‌های آتی در مورد دلایل تفاوت نگرش در دختران و پسران دوره‌های آموزشی متفاوت ضرورت دارد و در طراحی و ارائه آموزش‌ها باید به علت این تفاوت‌ها توجه شود. برای پسران زمان آموزش، شیوه و محتوای متفاوتی نسبت به دختران تدوین گردد همچنین پیشنهاد می‌گردد در پژوهش‌های آتی به جای مناطق جرم خیز از نوجوانان در معرض آسیب به عنوان جامعه و نمونه آماری مورد مطالعه استفاده گردد و زمان بیشتر برای طول دوره آموزشی اختصاص یابد. اختصاص زمانی برای آموزش مهارت‌های پیشگیری در برنامه هفتگی مدارس (کلاس‌های فوق برنامه)، مشارکت دادن والدین در طرح پیشگیری در کنار مدرسه و دستگاه‌های اجرایی، کمک مالی به مدارس که در مناطق جرم خیز قرار گرفته‌اند برای برگزاری دوره‌های آموزشی متمرکز خواهد بود.

### پی‌نوشت

- 1- gateway drugs
- 2- Ellickson, Tucker & Klein
- 3- Newcomb & Bentler
- 4- Taylor, Peplau & Cears
- 5- Kuther
- 6- Schelegel, Cranford & Sanborn

### منابع

- ۱- اسلوبودا، زیلی. (۱۳۸۶). پیشگیری از سوءمصرف موادمخدر. گسیختن مسیرها. مترجم؛ قاسم نظیری. تهران: ستاد مبارزه با موادمخدر، مرکز پژوهش مطالعات و آموزش.
- ۲- اعتیاد و پیشگیری در مدرسه. (۱۳۹۱). ماهنامه ایران پاک. (۴۷) : ۱۰-۷.
- ۳- اله وردی پور ح. حیدرنیا ع. کاظم نژاد الف. شفیع ف. آزاد فلاح پ. میرزایی الف و کیم (۱۳۸۴). مجله دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید صدوقی یزد، دوره ۱۳، (۱) ۳۱-۲۱.
- ۴- بتوین، جی. گیلبرت. (۱۳۸۶). پیشگیری از سوءمصرف مواد در بین نوجوانان، یافته‌های جاری و جهت‌گیری آتی. مترجم؛ الهه میرزایی. تهران: ستاد مبارزه با موادمخدر و مرکز پژوهش مطالعات و آموزش.
- ۵- باقری م. بهرامی ه (۱۳۸۸) نقش مهارت‌های زندگی به دانش‌آموزان و نگرش نسبت به موادمخدر و عزت نفس دانش‌آموزان. تهران: مرکز تحقیقات، آموزش و فناوری اطلاعات ستاد مبارزه با موادمخدر، فصلنامه اعتیاد پژوهی. سال اول. (۳).
- ۶- بشیریان س. حیدرنیا ع. اله وردی پور ح و حاجی زاده الف (۱۳۹۱). بررسی رابطه خودکنترلی با تمایل نوجوانان به مصرف موادمخدر. مجله علمی پژوهشی دانشکده پرستاری و مامایی همدان، دوره ۲۰، (۱): ۵۵-۴۵.
- ۷- پور چناری م. گلزاری م (۱۳۸۷). اثر بخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر تغییر نگرش دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه‌ی سیرجان نسبت به سوءمصرف موادمخدر. فصل‌نامه‌ی اعتیاد پژوهی. (۸)، سال دوم: ۵۴-۳۳.
- ۸- زرین کلک، حمید رضا. (۱۳۸۹). تأثیر آموزش "مولفه‌های تاب‌آوری" بر کاهش سطح اعتیاد پذیری و تغییر نگرش مقطع متوسطه ساکن در حومه‌ی تهران نسبت به مواد. دانشگاه علامه طباطبایی. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد.
- ۹- سهرابی ف. هادیان م. دائمی ح. اصغر نژاد فرید ع (۱۳۹۳). اثربخشی برنامه آموزشی رفتارهای سالم در نگرش



وابستگی، ح (۱۳۸۴). ارزیابی سریع وضعیت سوء مصرف و وابستگی به مواد در ایران (نیمه دوم سال ۱۳۸۳) مرکز آموزشی و پژوهشی سوء مصرف و وابستگی به مواد. دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی با همکاری معاونت امور فرهنگی و پیشگیری سازمان بهزیستی کشور و دفتر کنترل مواد مخدر و جرائم سازمان ملل متحد.

۱۸- یونسی ج. محمدی م (۱۳۸۵). استفاده از رویکرد نشر اطلاعات در برنامه های پیشگیری از اعتیاد در میان نوجوانان، نشریه دانشور رفتار. سال سیزدهم. (۱۶).

۱۹- یزدان پناه ب. صفری م. یوسفی م. عنقا پ. حبیبیان م. زندی ک. آرانپور ه (۱۳۸۹). برنامه های آموزشی جامعه محود پیشگیری از سوء مصرف مواد مخدر بر کاهش رفتارهای پرخطر، مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد. دوره ی ۱۸ (۳): ۱۹۸-۱۹۱.

۲۰- یاسمی، م؛ شاه محمدی، د؛ نقوی، م؛ باقری یزدی، ع؛ زجاجی، ع؛ رحیمی موقر، الف وهمکاران (۱۳۸۱). گزارش پژوهش بررسی همه گیری شناسی سوء مصرف مواد در جمهوری اسلامی ایران. تهران: معاونت سلامت وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی، ستاد مبارزه با مواد مخدر.

21-Aiekan. W. Dreger. B. (2006). Predictors of drug and alcohol abuse among adolescences program. 31(6). 320- 332.

22-Bandura, A. Social learning theory. Englewood Cliffs, NJ: Prentice- Hall. (1977).

23-Botvin, G. J., Dusenbury, L., Baker, E., James-Ortiz, S., & Kerner, J.. A skills training approach to smoking prevention among Hispanic youth. Journal of Behavioral Medicine, 1989. 12(3), 279-296.

24-Botvin, G. J. Griffin, K. W. W. Paul, E & Macaulay. A. P. (2003). Preventing tobacco and alcohol use among elementary school students through life skills training. Journal of child and adolescent substance Abuse, 12, 1-18.

25-Bonnie Ghosh -Pastidar and et al (2004). Modifying pro-drug risk factors in adolescent s: Result from project ALERT Health education & behavior, 31, 316-334

26-Donaldson, L. (2009). Guidance on the Consumption of Alcohol by Children and Young People. Department of Health.

دانشجویان نسبت به سوء مصرف مواد. مجله علوم رفتاری، دوره ۲ (۳): ۵-۶.

۱۰- صرامی ح. قربانی م. مینویی م (۱۳۹۲). بررسی چهار دهه تحقیقات شیوع شناسی اعتیاد در ایران. تهران: دفتر تحقیقات و آموزش ستاد مبارزه با مواد مخدر. فصلنامه اعتیاد پژوهی. سال هفتم (۲۶) ۲۹-۵۲.

۱۱- عبدالله پور، مرتضی. (۱۳۸۷). اثر بخشی مهارت های زندگی بر تغییر نگرش دانش آموزان دبیرستان های شهر سیرجان نسبت به سوء مصرف مواد مخدر. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی.

۱۲- عماری ح. پاشا شریفی ح. هاشمیان ک. میر زمانی م (۱۳۹۰). بررسی تاثیر برنامه پیشگیری از اعتیاد (شادی) بر رفتارهای پرخطر- اختلال سلوک. اختلال رفتار مقابله ای نوجوانان در معرض خطر مصرف مواد مخدر. فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی: ۶۱-۸۱.

۱۳- گلپور م. خیاطان م. کامکار م. (۱۳۸۷) مقایسه ی باورهای عامیانه درباره ی نشانه ها، علل و درمان اعتیاد در میان معتادان خود معرف، اعضای معتادان گمنام و غیرمعتادان. نشریه پژوهشی روان شناختی. دوره ی ۱۱. (۴ و ۳): ۴۵-۶۸.

۱۴- معاونت امور فرهنگی و پیشگیری سازمان بهزیستی با همکاری UNDCP (۱۳۷۸). خلاصه گزارش ارزیابی سریع وضعیت اعتیاد در ایران، معاونت فرهنگی و پیشگیری سازمان بهزیستی.

۱۵- معاونت امور فرهنگی و پیشگیری سازمان بهزیستی. (۱۳۷۸). گزارش آماری واحدهای پذیرش و پیشگیری معتادان خود معرف کشور. معاونت فرهنگی و پیشگیری سازمان بهزیستی.

۱۶- محمدخانی، شهرام. (۱۳۸۸). طراحی و تدوین برنامه ی توانمندسازی روانی- اجتماعی دانش آموزان در معرض خطر سوء مصرف مواد. دفتر مقابله با جرم و مواد سازمان ملل متحد در ایران.

۱۷- نارنجیها. ه؛ رفیعی، ح؛ باغستانی، الف؛ نوری، ر؛ شیرینیان، پ؛ وجدانی روشن، الف؛ فرهادی، م

27-Ellickson, P. L., & Bell, R. M. Prospects for Preventing Drug Use Among Young Adolescents, Santa Monica, 1990. Calif.: RAND: R—3896-CHF.

28-Foxcroft, D.R. and Tsertsvadze, A. (2011). Universal school-based prevention programs for alcohol misuse in young people. Cochrane Database of Systematic Reviews.

29-Faggiano, F., Galanti, M.R., Bohrn, K., Burkhart, G., Cuomo, L., Vigna-Taglianti, F., Fabiani, L., Panella, M., Perez, T., Siliquini, R., van der Kreeft, P., Vassara, M. and Wiborg, G. (2008). The effectiveness of a school-based substance abuse prevention program: EU-Dap Cluster Randomised Controlled Trial. Preventive Medicine. 47, 537–543.

30-Jessor, R., & Jessor, S. L. Problem behavior and psychosocial development: A longitudinal study of youth. New York: Accademic Press. 1977.

31-Kandel, D. B.. Convergences in prospective longitudinal surveys of drug use in normal populations. Longitudinal research on drug use: Empirical findings and methodological issues, 1978. 3-38.

32-O'Connell, M.E., Boat, T., Warner, K.E. Preventing Mental, Emotional, and Behavioral Disorders Among Young People: Progress and Possibilities. Committee on the Prevention of Mental Disorders and Substance Abuse Among Children, Youth and Young Adults: Research Advances and Promising Interventions. Institute of Medicine ; National Research Council. 2010. p. 221.

33-Newcomb, M. D., & Bentler, P. M. Consequences of adolescent drug use: Impact on the lives of young adults: Sage Publications, Inc. 1988.

34-Simons, S. Carvey. B. Attitudes toward marijuana use and drug. Free experience, Elsevier. 2005. 16(2).

35-Schelegel, R. P., Cranford, C. A., & Sanborn, M. D. (1977). Correspondence and mediational properties of the fishbein model: and application to adolescent alcohol use. Journal of experimental social psychology, 13, 421-430.